



عبدالملکی وزیر کم‌استعداد راست‌گو

عبدالملکی به وزارتی منصوب شد که از سه وزارتخانه (کار و امور اجتماعی و تعاون و رفاه) تشکیل شده و به جای سه وزیر در سه حوزه متفاوت باید مدیریت می‌کرد که دو حوزه از این سه حوزه بسیار حساس و استراتژیک می‌نماید و در حقیقت وزارتخانه‌ای اقتصادی و اجتماعی است و اندک غفلت از حوزه کارگری و رفاه اجتماعی می‌تواند مشکلات عدیده‌ای برای کشور به بار آورد. ایشان قبل از وزارت بین مردم شناخته شده نبود و پس از وزارت بسیار مورد توجه شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت، جوان‌ترین وزیر توییت‌باز فضای مجازی با عنوان دکترا اما فاقد استعداد و تجربه کاری در این سطح از مسئولیت و مایل به نمایان شدن و نمایش دادن.

با شعارها و اظهارنظرهای عجیب و غریب، نظرمسئولان را به خود جلب کرد، وقتی کلیپ‌هایشان بین مردم پخش شد موجب تحیر و تمسخر شد. پس از اخذ رأی اعتماد در مصاحبه‌ای گفت در شستا تعدادی از مدیران و کارشناسان فاسد هستند، دستور می‌دهم از کار برکنار شوند.

به آشنای مشترکی گفتم آقای وزیر هنوز نیامده از کجا می‌داند که افراد مورد نظر فاسد هستند، طبق کدام ادله و سند معتبری وزیر چنین حکم می‌کند؟

یا گفتند هزار مدیر فاسد را از مجموعه وزارت اخراج می‌کنم، عجبا! اگر فقط در یک وزارتخانه این‌قدر مدیر باشد و همه فاسد! پس همه سیستم فاسد است. افاضات دیگر ایشان در مورد شغل و لامبورگینی و... برای عوام قصه شد و برای خواص غصه. اما آنچه زمینه عزل ایشان را مهیا کرد، کشاندن کارگران و بازنشسته‌ها به کف خیابان بود که مسبب آن وعده‌های موهوم وزیر درباره افزایش حقوق بازنشسته‌ها برای سال جاری بود که نهایتاً به افزایش 10 درصدی منجر شد و با تورم موجود فاصله 90 درصدی دارد. اما خسارات دوران مدیریت ایشان در مدت 300 روز در مجموعه عظیم وزارت و شستا و سازمان‌های تأمین اجتماعی و فنی و حرفه‌ای و بازنشستگی و عشایر و روستاییان و حوزه اقتصادی و اجتماعی و مدیریتی فعلاً غیرقابل احصاست. با شناختی که در همین مدت از ایشان پیدا کرده‌ام، باورم این است که عبدالملکی دروغ نمی‌گفت، بلکه آنچه در وهمس پدیدار می‌شد، به زبانش جاری می‌شد، ذهنش در مرحله فهم چیزها در حد مشاهدات است، ساده و بسیط و ثابت. به مرحله تأمل و تعقل و تحلیل و اندرکنش چیزها و پدیده‌ها و تأثیر و تأثر آنها بر هم نمی‌رسد، شاید بعد از این برسد.

بالاخره فشار اجتماعی و تهدید مجلس به استیضاح، این جوان کم‌استعداد و پرمدها را مجبور به استعفا کرد و عبرتی شد تا دولتمردان تحت تأثیر شعارهای موهوم قرار نگیرند و از چگونگی اجرای شعارهایشان و با کدام امکانات و ظرفیت‌ها پرسش کرده و سوابقشان را از نظر کمی و کیفی بررسی کنند و به تعریف و تمجید جمیل و وکیل بسنده نکنند که عاقبت عرض رفته و زحمت برجای مانده است:

بوریا با ف اگر چه با فنده است / نبرندش به کارگاه حریر.

البته که خسارت‌ها و تنش‌های وارد شده اقتصادی و اجتماعی از قبل این انتصاب تنها مربوط به وزیر نیست.

قراین نشان می‌دهد که چنین‌اند که در مصاحبه‌های ارزیابی، باور کرده‌اند که با یک میلیون تومان می‌توان شغل ایجاد کرد و چون کره شمالی و ونزوئلا تحریم را دور زد و

قس علی‌هذا.

اگر چنین سطح درک و فهمی در بین دولتمردان سیزدهم میانگین باشد!

ملت باید چه کند ، مگر کابینه به‌سرعت ترمیم شود و کابینه‌ای توانمندتر برای عبور از مشکلات بر سر کار بیاید. ان‌شاءالله.